

سیاست شکست خورده فرزندان‌آوری

نامه عباس عبدی به محمدباقر قالیباف درباره نامه اخیر نمایندگان به وزیر بهداشت

عباس عبدی، نویسنده و تحلیلگر سیاسی، در نامه‌ای به محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس به نامه اخیر ۱۸۴ نماینده مجلس به وزیر بهداشت درباره قانون فرزندان‌آوری که در آن اشاره‌ای تلویحی هم به مواضع انتقادی عبدی شده بود، واکنش نشان داد. متن نامه بدین شرح است:

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی جناب آقای قالیباف باسلام و احترام

در مورخ ۱۳/۷/۱۴۰۴ نامه‌ای با امضای ۱۸۴ نفر از نمایندگان محترم مجلس در موضوع جمعیت، خطاب به وزیر بهداشت نوشته و در صحن مجلس قرائت گردید که در آن بدون ذکر نام، تعریضی هم به بنده شده بود. به پاس احترام به میلیون‌ها مادری که به دلیل سیاست‌های بغایت نادرست جاری و علی‌رغم میل وافرشان به داشتن فرزند، بناچار از نعمت فرزندان‌آوری محروم شده‌اند، نکاتی را تقدیم می‌کنم، بلکه با قرائت آن در صحن مجلس از ذهنیت نادرست نمایندگان رفع ابهام شود. شنیده‌ام آقای دکتر مرندی وزیر محترم اسبق بهداشت پاسخ قاطعی به غلط‌های فاحش در نامه نمایندگان داده‌اند. همچنین وزارت بهداشت نیز پاسخ خود را داده است. ولی این پاسخ‌ها از دو ایراد کلی رنج می‌برند. اول این که منتشر نمی‌شوند و دوم این که بسیار کلی و به قول معروف دست به عصا پاسخ می‌دهند و کمتر به مشکل اصلی می‌پردازند. بنابراین لازم دانستم که پاسخ خود را تقدیم کنم. از نظر بنده مسأله فرزندان‌آوری بسیار مهم است به همین دلیل کمتر کسی به اندازه من در این مورد نوشته است. مجموعه این نوشته‌ها را اخیراً با عنوان «چگونه جمعیت را بسطقت کنیم؟» شامل مجموعه نوشته‌های من درباره «جمعیت» از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۴ در دسترس است که اگر نمایندگان محترم زحمت مطالعه آن را به‌خود می‌دادند قطعاً در درک خود از مسأله جمعیت و نوشتن چنین نامه‌هایی تجدیدنظر می‌کردند. به همین خاطر تاکید می‌کنم که گرچه ادامه وضعیت جمعیت در ایران خطرناک است ولی بدتر از آن سیاستگذاری نادرست درباره این مسأله و مسائل دیگر است. این خطری که حال و آینده کشور را همزمان تهدید می‌کند، وریشه آن هم در درک نادرست قانونگذاران از مسائل کشور است که راه‌حل‌های آنان به‌جای بهبود امور بر مشکلات می‌افزایند، و به‌جای بازکردن گره‌ها آنها را کورتر می‌کند. به عنوان نمونه برای فهم اثرات قانون جوانی جمعیت مصوب مجلس قبلی ومورد حمایت مجلس کنونی کافی است که بگویم، مقایسه آمار متولدین سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که در سال پیش از اجرایی شدن این قانون، تعداد موالید کشور افزایش داشته است، ولی با اجرای قانون، و از سال ۱۴۰۱ تا پایان سال ۱۴۰۳ به ترتیب سالانه ۳/۴- درصد، ۱/۲- درصد و ۷/۴-درصد کاهش زاد و ولد داشته‌ایم. امسال هم به احتمال زیاد حدود ۷- درصد با کاهش مواجه خواهیم شد. حتماً قبول می‌کنید که این روند خطرناکی برای وضعیت جمعیت است؛ روندی که پس از اجرای این قانون به‌وجود آمده است. قانونی که قرار بود نرخ باروری را در بازه زمانی قابل قبولی به سطح جانشینی و به بیش از رقم دو برساند؛ در حالی که اکنون به‌طرز چشمگیری حتی کمتر از نرخ باروری پیش از اجرای قانون شده است. نکته جالب این که نسبت زایمان‌ها از طریق سزارین نیز پس از هدف قانون کمتر نشده که بیشتر هم شده است.

شاید نمایندگان مجلس توجه ندارند که دولت و وزارتخانه قبلی صددرصد طرفدار این قانون و همسو با آن بودند و همه مواند آن را در حداکثر ممکن اجرا کردند ولی نهتنها جمعیت افزایش نیافت بلکه روند کاهشی آن تشدید هم شده است. از سوی دیگر اگر آمار مرگ و میر را از سال ۱۴۰۱ که کرونا پایان یافت در نظر بگیریم طی دو سال دولت آقای رئیسی، حدود ۱۰ درصد هم به آمار مرگ و میر اضافه شده است.

بنابراین آمار فرزندان‌آوری نشان می‌داد که مسأله نهتنها با اجرای قانون موجود حل نشده، بلکه تشدید هم شده است. این به معنای آن است که مسأله چیز دیگری است که اجرای این قانون نتوانسته آن را حل کند زیرا به اصل مسأله نپرداخته است. برای یافتن پاسخ چرایی شکست این قانون، باید به پژوهش‌های معتبر مراجعه کرد. لطفاً دستور دهید که نمایندگان آخرین پژوهشی که در بهمن‌ماه سال ۱۴۰۳ انجام شد را مطالعه کنند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مسأله اصلی و تعیین‌کننده برای حل مسائل فرزندان‌آوری آن چیزهایی نیست که قانون موجود درصدد حل آنها برآمده است. مجلس وظیفه دارد که یک گروه علمی معتبر را تعیین کند تا با تطبیق یافته‌های پژوهشی و ارزیابی کارایی قانون موجود در رفع و حل مسائل ودغدغه‌های مردم، چرایی بی‌رغبتی و ناتوانی از فرزندان‌وری را بررسی و نتیجه را برای افکار عمومی منتشر نمایند. طرح جزئیات آن

پژوهش، این نامه را از مسیر خود خارج می‌کند. خلاصه اینکه از زمان اجرای قانون تا پایان امسال و علی‌رغم هزینه‌های بسیار فراوان حدود ۱۸ درصد از فرزندان‌آوری کاسته شده است و رشد جمعیت کشور نیز به زیر ۰/۶ درصد رسیده است و با ادامه این سیاست‌ها نمی‌توان انتظار تغییر مسیر زاد و ولد را داشت، و به‌زودی رشد جمعیت به صفر خواهد رسید.

برای درک این که نمایندگان تا چه حد با مسأله جمعیت و ارزیابی قانون بیگانه هستند کافی است که ادعای آنان را در مورد یکی از دستاوردهای قانون مرور کنیم. آنان بزرگترین دستاورد این قانون قاجعه‌بار که هزینه زیادی را بر بودجه و مردم تحمیل کرده را این دانسته‌اند که؛ فرزند سوم به بعد از ۱۸/۳ درصد ولادت کل نوزادان به ۲۶/۸ درصد رسیده است. این دستاورد نیست، بلکه شکست فاحش است. به این علت که نسبت فرزندان سوم و چهارم و پنجم(صورت کسر) از کل فرزندان‌آوری (مخرج کسر) به این علت اضافه شده که کل فرزندان‌آوری کم شده است. صورت کسر ثابت مانده ولی مخرج کم شده لذا نسبت بالا رفته است. فراوانی آنها تغییر معناداری نکرده، بلکه نسبت و سهم آنان بیش‌تر شده و این ناشی از استنکاف جوانان از ازدواج، از فرزندان‌آوری و از آوردن فرزند اول و دوم است. اگر سیاست‌های مذکور موفق بود، قطعاً بر روی فرزندان اول و دوم و افزایش زاد و ولد آنان تأثیر می‌گذاشت. در واقع خانواده‌های دارای دوو بیش‌تر فرزند، زندگی جافتاده‌ای دارند و مسیر خودشان در فرزندان‌وری را مثل نسل‌های قبلی ادامه می‌دهند، مسأله امروز ما فقدان انگیزه برای ازدواج، و آوردن فرزند اول و دوم است و نه پنجم و ششم. در چند سال اخیر درحالی‌که میانگین سن مادر در اولین نوزاد تغییری نکرده ولی میان سن مادر در کل نوزادان جدید تا حدود یک سال افزایش یافته است. این یعنی قانون علی‌رغم نام پرطمطراقش، جوانان را فراموش کرده و این خطری بزرگ است و به معنای فراموشی آنان در همه عرصه‌ها است.

در اشاره نامه مذکور به سیاست کاهش رشد جمعیت در دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ هم چند اشتباه رخ داده است. اول اینکه آن سیاست (درست یا نادرست آن بحث دیگری است که اتفاقاً درست هم بود) محصول اراده کل نظام بود و در برنامه‌های توسعه گنجانده شده بود. اتفاقاً اهداف سیاست‌گذاران رسیدن به نقطه فعلی نبود، ولی استقبال زیاد مردم از آن موجب شد که خیلی پیش از زمان تعیین شده، اهدافش محقق شود. وزیر محترم بهداشت در آن زمان آقای دکتر مرندی از جناح اصولگرایان بود و معید است که کسی در انگیزه خیرخواهی و تعهدش به ساختار تردیدی داشته باشد. ولی در هر حال قانون‌گذاران در آن زمان درک درستی از عوامل تأثیرگذار بر مسأله داشتند و اجرا هم به درستی انجام شد ولی اکنون حتی اگر مواد قانون فرزندان‌آوری تمام و کمال هم اجرا شود، هیچ هدف مطلوبی محقق نمی‌شود. اکنون وقت بررسی و ارزیابی علمی قانون مسأله است. از اینکه در گذشته وزارت بهداشت توانست فرزندان‌وری را مهار کند، نمی‌توان نتیجه گرفت که امروز می‌تواند آن را افزایش دهد. در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۵ کدام وزارتخانه دنبال این بود یا توانست تعداد متولدین را از ۱۳/۷ میلیون به ۲/۶۷ میلیون (حدود دو برابر) در سال برساند؟! چرا علی‌رغم تبلیغات سنگین و صرف بودجه فراوان رژیم گذشته، تعداد متولدین از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶، از ۱/۱۴ میلیون به ۱/۴ میلیون رسید؟! این‌ها نشان می‌دهد، مسأله جمعیت در قانون موجود آن گونه که باید شناخته نشده است. جمعیت یک شیر فلکه نیست که دست حکومت باشد، هر وقت خواست آن را ببندد و هر وقت خواست آن را باز کند. چین با آن همه امکانات باورنکردنی با فشار فراوان و زور در بستن فلکه موفق بود، ولی اکنون ۱۰ سال است که دنبال باز کردن این مسیر است و موفق نمی‌شود. چین ماهانه تا سه سال برای هر فرزندی که به دنیا بیاید بیش از ۵ میلیون تومان می‌پردازد، در حالی که خدمات بهداشت و درمان و آموزش و خیلی از امور دیگر نیز مجانی و تأمین شده است، ولی اثر چندانی بر فرزندان‌آوری ندارد و جمعیت آن در حال کاهش است. کره جنوبی نیز همین گونه و به مراتب بدتر است، و حدود ۲۰۰ میلیارد دلار برای افزایش جمعیت خرج کرده ولی دستاورد چندانی نداشته است.

پس راه‌حل این بحران چیست؟ بحران فرزندان‌وری راه‌حل فنی و جدا از دیگر بحران‌های کشور ندارد. عوامل اصلی پرهیز از فرزندان‌وری، ربطی به نگاه والدین به ارزش فرزندان‌آوری ندارد. مسأله اصلی نداشتن امید به آینده و وضعیت بد اقتصادی و نداشتن مسکن و شغل است و اینها مسائل کلان کشور است و حل مسأله فرزندان‌وری را باید در دل این مسائل کلان دید. مقصر اصلی در کاهش شدید فرزندان‌وری سیاست‌های موجود است و نه مردم. مردم نیازی به اتلاف منابع و تقسیم بودجه میان نهادهای وابسته به خود برای فرهنگ‌سازی جهت فرزندان‌آوری ندارند. کافی است این بچه‌رازمین بگذارند تا آرام شود. «هر چه هست از قامت ناسازبی اندام ماست.»

باحترام
عباس عبدی ۴ آبان ۱۴۰۴



تیتریک

HEADLINE ONE

۲

دفاع از روسیه؟

بررسی حملات دیروز قالیباف و تندروهای مجلس به روحانی و ظریف

باعث ناراحتی اعضای پارلمان شد و برخی نیز دلایلی دیگر را مطرح می‌کنند. اما هر چه بود، یکشنبه‌ای که با نطق پیش از دستور رئیس مجلس آغاز شد، این اظهارات را به دنبال داشت.

▼ آتش‌دهن‌سوزی نبودید که حالا طلبکارید

محمد معتمدی‌زاده، نماینده سیرجان گفت: «این شرایط بوی نفاق و برهم‌زدن انسجام می‌دهد. حسن روحانی، مجلس و شورای نگهبان را تضعیف کرده و گفته است که مگر نماینده چند درصد مردم هستید. آقای روحانی! این مجلس و این نمایندگان به عنوان نماینده همه ملت ایران هستند؛ چه آنهایی که رأی دادند و چه آنهایی که رأی ندادند. آقای روحانی! شورایی نگهبانی را که بی‌اهمیت جلوه می‌دهید، همان شورای نگهبانی است که شما را برای ریاست‌جمهوری تأیید کرد. آقای روحانی! به یاد دارید که گفتید مشکلات را ۱۰۰ روزه حل می‌کنید و نکردید، به یاد دارید که امضای وزیر خارجه آمریکا را در برجام تضمین خواندید، اما با روی کار آمدن ترامپ، آمریکا از برجام خارج شد و اروپایی‌ها به وعده‌شان عمل نکردند.»

او ادامه داد: «ایران تنها کشوری بود که در برجام ماند و نهتنها تحریم‌ها کنار نرفت و سایه جنگ از سرمان دور نشد، بلکه سردارهای رشیدمان را ترور کردند. آقای روحانی! حیف آن همه سکه که از جیب مردم به عنوان جایزه به سرداران دیپلماسی‌تان دادید. آقای روحانی! یادمان نرفته که قرار بود آنچنان رونق اقتصادی ایجاد کنید که مردم نیاز به یارانه نداشته باشند، اما همه مسائل را به برجام گره زدید و در دولت شما ارزش یارانه ۴۵ دلاری به ۱۴ دلار کاهش یافت. آبان‌ماه ۱۳۹۸ در حالی که خواب بودید، بنزین گران شد. یادمان نرفته که کرونا را بهانه کردید و بسیاری از مشکلات مدیریتی و معیشتی را به گردن این وپروس مفکوک انداختید و از ترس این وپروس حتی در مجلس هم حضور پیدا نکردید و خود را خانقشین کردید.»

این نماینده مجلس تاکید کرد: «آقای روحانی! سیل خوزستان را یادتان هست که به جای مدیریت مصیبت‌های سیل‌زندگان، در سواحل کیش به تفریح پرداختید. دولت شما چه بر سر سرمایه مردم در بورس آورد؟ به یاد دارید که در فروردین ۱۴۰۰ و آن وقت که کرونا کاهشی شده بود، با آزاد کردن سفرهای نوروزی، تلفات جانی کرونا را با بی‌تدبیری خود به اوج رساندید؟ آقای روحانی! دلار را در ابتدای دولت خود ۲ هزار تومان تحویل گرفتید و حدود ۳۰ هزار تومان تحویل دادید! خواستم بگویم آنچنان آش‌دهن‌سوزی نبودید که امروز طلبکارید.» شعارهای مرگ بر فریدون و محاکمه فریدون پس از این نطق داده شد.

▼ روحانی به فکر جایگاه‌های بالاتر است

امیرحسین ثابتی‌منفرد، نماینده تهران هم در این باره گفت: «حسن روحانی که مرزهای منفور بودن در جامعه را جابه‌جا کرد، زبانش هنوز دراز است و گفته چرا تصمیمات مجلس با خواست اکثر جامعه همراه نیست؟ اینکه ما در مجلس با فساد بانک‌ها مقابله می‌کنیم چرا به‌تو فشار آورده؟ اگر برای تو رضایت مردم مهم بود، یک‌شبه قیمت بنزین را سه برابر نمی‌کردی و فاجعه آبان ۹۸ را رقم نمی‌زدی که صدها نفر کشته شدند. مگر برای تحمیل اسنپ‌ک به کشور، از مردم نظرسنجی کردی؟ امیدوارم قوه قضائیه به پرونده روحانی ورود کند تا به جای اینکه توهم جایگاه‌های بالاتر را داشته باشد به جایگاه اصلی‌اش که پشت میله‌های زندان است برسد.»

▼ نتیجه هشت سال التماس به آمریکا چه شد؟

حمید رسایی، نماینده تهران نیز در تذکری کوتاه گفت: «صحبت‌های توهین‌آمیز حسن روحانی علیه مجلس، برای پرت کردن حواس همه از تبعات خیانت‌هایی است که در دولت وی اتفاق افتاد. آقای روحانی! نتیجه ۸ سال کرنش در برابر آمریکا چه شد؟ نتیجه ۸ سال التماس در برابر آمریکا و فقیقه‌های مستانه در برابر مسئولان انگلیسی چه بود؟ آیا به جز تهدید و توهین بیشتر و تحریم‌های سنگین‌تر، دستاوردی داشت؟»

او ادامه داد: «چرا به پرونده تخلفات حسن روحانی رسیدگی نمی‌شود؟ چرا به پرونده سرقت علمی وی در پایان‌نامه‌اش رسیدگی نمی‌شود؟ بنده به دلیل بیان موضوع سرقت علمی روحانی سه ساعت در دادگاه ویژه روحانیت محاکمه شدم، و در نهایت به اتفاق آرا تبرئه شدم. حال سوال این است که چرا به اصل پرونده رسیدگی نمی‌شود؟ چرا به پرونده سرقت فرش‌های نفیس کاخ سعدآباد رسیدگی نمی‌شود؟»

▼ چرا انتقاد به روسیه بد است؟

از زمانی که رئیس مجلس این اقدام را انجام داد و این روز در صحن پارلمان رقم خورد، این سوال مکرر در شبکه‌های اجتماعی تکرار شد که چرا چنین صحبتی از جایگاه هیئت رئیسه مجلس و خطاب به دو مقام پیشین مطرح شده است؛ حتی اگر هر دوی آن‌ها نسبت به نقش تاریخی روسیه انتقاداتی مطرح کرده باشند. سوال سخت‌تر این بود که رابطه راهبردی مذکور در چه سطحی است که حتی به فرض طرح انتقاداتی از سوی دو مقام فاقد مسئولیت اجرایی و بازنشسته، با خطر مواجه شده باشد. آیا مسکو چنین مسئله‌ای را مطرح کرد؟ یا مسئله از بیخ و بن چیز دیگری است؟

▼ حرکت قالیباف جوانمردانه نبود

احمد شریزاد، نماینده مجلس ششم درباره وقایع روز گذشته مجلس به هم‌میهن گفت: «این در همه جای دنیا سابقه دارد که دیدگاه‌های مختلف سیاست خارجی می‌تواند در جناح‌بندی‌های داخلی هم ایفای نقش کند. همچنین قبول دارم که در شرایط فعلی هماهنگی با روسیه و چین به لحاظ مصالح ملی و با توجه به رفتار زشتی که اروپایی‌ها در موضوع اسنپ‌ک انجام دادند، برای ما خیلی مهم است. اما این درست نیست که بخواهیم آن‌ها را جزو

محسن صالحی‌خواه گزارشگر هم‌میهن



نمایندگان مجلس با بازگشت از تعطیلات و پایان سرکشی به حوزه‌های انتخابیه، نخستین روز کاری خود را با حمله به رئیس‌جمهور و وزیر پیشین امور خارجه آغاز کردند. آغازکننده حمله نیز محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس بود که در نطق پیش از دستور خود، پس از بازخوانی حمایت مسکو و پکن از ایران در شورای امنیت، بی‌مقدمه موضوع را پیش کشید: «در این برهه حساس، از همه سلیقه‌های سیاسی مختلف انتظار می‌رود که با وحدت کلمه، از این دستاوردها حمایت کنند و صدای رسای ملت ایران در برابر فشارهای خارجی باشند. بیایید به یاد آوریم که عزت و سربلندی ایران، در اتحاد و ایستادگی همه است؛ ایستادگی‌ای که امروز، با حمایت شرکای جهانی، به ثمر نشسته است. وظیفه شرعی و میهنی ماست که امروز تحت هر شرایطی، امر ملی را بر امر جناحی مقدم بداریم و به تثبیت و تحکیم دستاوردهای امروز کشور کمک کنیم، در همین راستا لازم می‌دانم انتقاد صریح خود را نسبت به مواضع رئیس‌جمهور و وزیر خارجه اسبق‌مان اعلام کنم که دقیقاً در شرایطی که مسیر همکاری‌های راهبردی ما با کشور روسیه در حال پیشرفت است با مواضع خود به این مسیر لطمه دهند.»

قالیباف به ظریف و روحانی اشاره کرد. در حالی‌که آخرین صحبت روحانی مربوط به ۲۰ مهر ۱۴۰۴ است. ظریف هم پنجشنبه هفته گذشته اعلام کرد که به خاطر منافع ملی سکوت می‌کند. نکته‌ای که توجه‌ها را به خود جلب کرد، این بود که مجلس تا ۲۳ مهر تشکیل جلسه داشت اما در فاصله چهارروزه طرح این صحبت‌ها تا تعطیلی مجلس، چنین واکنش‌هایی از سوی این افراد و شخص رئیس مجلس دیده نشده بود. اما ناگهان این صحنه‌ها بعد از پایان تعطیلات به وجود آمد که این تأخیر طولانی محل سوال است.

▼ یادآوری یک واقعیت تاریخی

آخرین اظهارنظر روحانی مربوط به ۲۰ مهر ۱۴۰۴ و در دیدار با استانداران سابق است که در آن هیچ انتقادی از سیاست‌های روسیه مطرح نشده بود. صرفاً صحبتی بود درباره اینکه طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ تمام قطعه‌نامه‌های تحریمی ایران با رأی مثبت روسیه و چین همراه بود که این جمله خود مقدمه‌ای بر حملات بعدی بود؛ حتی محمدسعد قطعه‌نامه احیدان، دستیار رئیس مجلس وندوبیتی قطع‌شده از این اظهارات را منتشر کرد و مدعی شد این صحبت‌ها محل اشکال بوده است. فارغ از این واقعیت که روسیه و چین در آن دوره زمانی به تمام قطعه‌نامه‌های شورای امنیت از جمله سنگین‌ترین آن‌ها یعنی ۱۹۲۹ رای مثبت دادند و بازگو کردن این واقعیت خالی از اشکال است، ادامه جمله روحانی این بود: «در سال ۹۴ آمریکا و اروپا می‌گفتند اگر اسنپ‌ک نباشد و بخوایم از نو قطعه‌نامه‌ای علیه ایران تصویب کنیم، روس و چین رأی نخواهند داد. بر خی آدم‌های غل و دروغگو، اتهام می‌زدند و می‌زدند که دولت تدبیر و امید مایل نبود با شرق کار کند و همه‌اش چشمش به غرب بود و با روس و چین کار نمی‌کرد. در دولت قبل از ما، در همه قطعه‌نامه‌ها که آن دو دولت رای داده بودند، خطور در دولت تدبیر و امید غرب نگران شد؟ این‌ها که همیشه رای داده‌اند خطور حالا می‌گویند ممکن است روس و چین وتو کنند؟ چون غرب فهمیده بود که ایران در دولت تدبیر و امید با دو کشور به سمت روابط راهبردی پیش می‌رود و لذا اگر بخوانند قطعه‌نامه‌ای علیه ما صادر کنند آن‌ها رای نخواهند داد کما اینکه در دولت ما قطعه‌نامه‌های دیگری در موضوعات دیگر غیر از برجام پیش آمد که روس‌ها و چینی‌ها وتو کردند، این موضوع دروغ این دغل‌کاران را افشا می‌کند که می‌گویند دولت روحانی چشمش به آمریکا و اروپا بود و اعتنا نمی‌کرد به شرق.» اینجا بود که برخی گفتند آیا این نطق به دست رئیس مجلس داده شده است.

حسام‌الدین آشنا، مشاور روحانی در دوران ریاست‌جمهوری خطاب به قالیباف نوشت: «۱. خوب نیست هر نوشته‌ای را که به دستان می‌دهند با صدای بلند بخوانید. ۲. آنجا که می‌دانیم آقای روحانی اخیراً درباره روسیه بیانی نداشته‌اند. ۳. جمع بستن چین و روسیه در مواضع تحلیل‌های مسئولان نظام، شایسته نیست.»

▼ آغاز یک پروژه جدید

مجموعه این حمله‌ها، تقریباً از عصر روز جمعه و در شبکه‌های اجتماعی آغاز شد؛ زمانی که بخشی از صحبت‌های روحانی درباره خودداری از قانونگذاری در مقابل مردم، واکنش‌هایی ایجاد کرد؛ صحبت‌هایی که به همین تاریخ ۲۰ مهر مربوط می‌شدند. روحانی در این خصوص گفته بود: «ما باید در برابر ملت تواضع کنیم و سر فرود بیاوریم. حالا می‌گویند فلان چیز، فلان مسئله را مجلس تصویب کرده است. مگر مجلس رأی چند درصد مردم را دارد؟ حالا اگر رأی هم داشته باشند. کار آن‌ها هم قانونی باشد. اگر یک موضوعی برای ما روشن باشد که ۸۰ درصد مردم مخالف آن هستند، قانونگذاری در مقابل نظر ۸۰ درصد مردم یعنی چه؟ این که قانون نیست. اصلاً وقتی یک چیزی را ۹۰ درصد مردم مخالفند، می‌شود بگوییم چون در مجلس رأی داده شورای نگهبان هم امضا کرده پس همه باید مطیع باشند؟ چه ارزشی دارد کار شما؟ بله یک وقتی است که ۵۰ درصد این طرف ۵۰ درصد آن طرف، حتی ۴۰ درصد این طرف، ۶۰ درصد آن طرف هستند قابل قبول است اما اگر ۹۰ درصد این طرف و ۱۰ درصد آن طرف هستند، اینکه قانون نمی‌شود. البته ظاهرش نمی‌توانیم ایراد بگیریم. به ظاهر قانونی است چون مجلس رأی داد و شورای نگهبان امضا کرده، بله ظاهرش قانونی است اما روح آن هم قانونی است؟!» برخی معتقدند اشاره روحانی به حداقلی بودن مجلس

گزارش یک

